

به نام خدا

طراحی برنامه درسی بر اساس شایستگی ها

مولفان :

آسیه مسعودی نیا

سمیرا تمجیدی

غلامرضا پرکاسی

آمنه باران

مریم لشکری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



سرشناسه: مسعودی نیا، آسیه، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآورندگان: طراحی برنامه درسی براساس شایستگی ها / مولفان آسیه مسعودی نیا، سمیرا تمجیدی، غلامرضا پرکاسی، آمنه باران، مریم لشکری
مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری: ۱۰۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۳۷-۳
شناسه افزوده: تمجیدی، سمیرا، ۱۳۶۹
شناسه افزوده: پرکاسی، غلامرضا، ۱۳۵۳
شناسه افزوده: باران، آمنه، ۱۳۶۱
شناسه افزوده: لشکری، مریم، ۱۳۵۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: طراحی - برنامه درسی - شایستگی ها
رده بندی کنگره: TP ۹۸۳
رده بندی دیویی: ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۳۴۶۲۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: طراحی برنامه درسی براساس شایستگی ها
مولفان: آسیه مسعودی نیا - سمیرا تمجیدی - غلامرضا پرکاسی - آمنه باران - مریم لشکری
ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: محدثه فرهنگد
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۴
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۳۷-۳
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست

مقدمه ۵

فصل اول : مبانی نظری و مفهومی طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۹

تحول مفهوم برنامه درسی از رویکرد محتوامحور به شایستگی محور ۱۱

تعریف شایستگی و مؤلفه‌های آن (دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌ها) ۱۳

مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آموزش شایستگی محور ۱۵

نظریه‌های یادگیری مرتبط با برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۱۸

تفاوت‌ها و تمایزهای برنامه درسی سنتی و برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۲۰

جایگاه برنامه درسی شایستگی محور در نظام‌های آموزشی معاصر ۲۲

فصل دوم : چارچوب‌ها و الگوهای طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۲۵

اصول و مؤلفه‌های کلیدی در طراحی برنامه درسی شایستگی محور ۲۷

الگوهای رایج ملی و بین‌المللی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۲۹

شناسایی و تحلیل نیازهای آموزشی در طراحی شایستگی‌ها ۳۱

تدوین اهداف آموزشی بر اساس شایستگی‌های مورد انتظار ۳۴

سازمان‌دهی محتوا در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۳۶

نقش انعطاف‌پذیری و بومی‌سازی در طراحی برنامه درسی ۳۸

فصل سوم : روش‌های تدریس و یادگیری در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۴۱

تغییر نقش معلم و فراگیر در آموزش شایستگی محور ۴۳

روش‌های تدریس فعال و مشارکتی در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۴۵

یادگیری مبتنی بر مسئله، پروژه و موقعیت‌های واقعی ۴۸

نقش فناوری‌های آموزشی در تحقق شایستگی‌ها ۵۰

طراحی محیط‌های یادگیری غنی و تعاملی ۵۳

یادگیری خودتنظیمی و یادگیری مادام‌العمر در رویکرد شایستگی محور ۵۵

فصل چهارم : ارزشیابی و سنجش شایستگی‌ها در برنامه درسی ۵۹

اصول و اهداف ارزشیابی در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۶۱

تفاوت ارزشیابی سنتی و ارزشیابی عملکردمحور ۶۴

ابزارها و روش‌های سنجش شایستگی‌ها ۶۶

ارزشیابی تکوینی، پایانی و مبتنی بر شواهد ۶۸

نقش بازخورد در بهبود یادگیری و ارتقای شایستگی‌ها ۷۱

چالش‌ها و ملاحظات ارزشیابی در آموزش شایستگی محور ۷۳

فصل پنجم : چالش‌ها، راهکارها و چشم‌انداز آینده برنامه درسی مبتنی بر شایستگی

..... ۷۷

چالش‌های اجرایی طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۷۹

موانع فرهنگی، سازمانی و حرفه‌ای در پیاده‌سازی برنامه درسی ۸۲

توانمندسازی معلمان و نقش توسعه حرفه‌ای ۸۴

نقش سیاست‌گذاری آموزشی در حمایت از رویکرد شایستگی محور ۸۷

تجارب موفق داخلی و بین‌المللی در اجرای برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ۹۰

چشم‌انداز آینده برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در نظام‌های آموزشی ۹۳

نتیجه‌گیری ۹۶

منابع ۹۹

مقدمه

تحولات گسترده علمی، فناوری، اجتماعی و فرهنگی در دهه‌های اخیر، نظام‌های آموزشی را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته است و این امر ضرورت بازاندیشی در اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی‌های آموزشی را بیش از پیش نمایان کرده است. آموزش سنتی که عمدتاً بر انتقال دانش نظری، حفظ مطالب و آزمون‌های مبتنی بر یادسپاری تأکید دارد، دیگر پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع امروزی نیست. در چنین شرایطی، رویکردهای نوین آموزشی با محوریت یادگیرنده، یادگیری عمیق و کاربردی، و پرورش توانمندی‌های واقعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، طراحی برنامه درسی بر اساس شایستگی‌هاست که به‌عنوان پاسخی نظام‌مند به کاستی‌های برنامه‌های درسی محتوامحور مطرح شده است. این رویکرد با تمرکز بر آنچه فراگیران باید بتوانند در موقعیت‌های واقعی انجام دهند، افق تازه‌ای در تعلیم و تربیت گشوده است. برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر این فرض استوار است که هدف اصلی آموزش، صرفاً انتقال اطلاعات نیست، بلکه پرورش مجموعه‌ای از شایستگی‌ها شامل دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌هاست که فرد را برای ایفای نقش مؤثر در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای آماده می‌سازد. در این چارچوب، یادگیری زمانی معنا دار تلقی می‌شود که فراگیر بتواند آموخته‌های خود را در موقعیت‌های واقعی و متغیر به کار گیرد. از این‌رو، طراحی برنامه درسی باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که فرصت‌های یادگیری فعال، حل مسئله، تفکر انتقادی، همکاری، خودتنظیمی و خلاقیت را برای یادگیرندگان فراهم سازد. چنین نگاهی مستلزم تغییر بنیادین در فلسفه آموزش و نقش عناصر اصلی برنامه درسی است.

در رویکرد شایستگی‌محور، برنامه درسی نه مجموعه‌ای از سرفصل‌های ثابت و از پیش تعیین‌شده، بلکه ساختاری پویا و انعطاف‌پذیر است که بر اساس نیازهای واقعی یادگیرندگان و جامعه شکل می‌گیرد. این نوع برنامه درسی تلاش می‌کند شکاف میان آموزش و عمل را کاهش دهد و یادگیری را به تجربه‌ای کاربردی و معنا دار تبدیل کند. در این راستا، شایستگی‌ها به‌عنوان محور اصلی طراحی برنامه درسی مطرح می‌شوند و تمامی اجزای برنامه، از اهداف و محتوا گرفته تا روش‌های تدریس و ارزشیابی، در خدمت تحقق این شایستگی‌ها قرار می‌گیرند. این امر سبب می‌شود برنامه درسی از حالت ایستا و تجویزی خارج شده و به ابزاری برای توانمندسازی واقعی فراگیران تبدیل شود. طراحی برنامه درسی بر اساس شایستگی‌ها، پاسخی به نیازهای متنوع یادگیرندگان در دنیای پیچیده امروز است. جوامع معاصر با مسائلی همچون تغییرات سریع فناوری، تحولات بازار کار،

جهانی شدن، و افزایش پیچیدگی مسائل اجتماعی روبه‌رو هستند. در چنین شرایطی، افراد نیازمند مهارت‌هایی فراتر از دانش تخصصی هستند؛ مهارت‌هایی مانند یادگیری مادام‌العمر، سازگاری با تغییر، حل مسائل نوظهور و برقراری ارتباط مؤثر. برنامه درسی شایستگی‌محور با تمرکز بر این مهارت‌ها، زمینه را برای پرورش شهروندانی مسئول، خلاق و توانمند فراهم می‌سازد و نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کند.

یکی از ویژگی‌های برجسته طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، توجه به یکپارچگی یادگیری است. در این رویکرد، دانش، مهارت و نگرش به‌صورت جداگانه آموزش داده نمی‌شوند، بلکه در قالب شایستگی‌های یکپارچه و در بستر موقعیت‌های واقعی یادگیری شکل می‌گیرند. این امر موجب می‌شود یادگیرندگان بتوانند ارتباط میان مفاهیم نظری و کاربرد عملی آن‌ها را بهتر درک کنند. همچنین، یادگیری از سطح حفظ اطلاعات فراتر رفته و به سطح تحلیل، ارزیابی و خلق دانش ارتقا می‌یابد. چنین رویکردی با یافته‌های نوین علوم شناختی و نظریه‌های یادگیری سازگار است. در طراحی برنامه درسی شایستگی‌محور، نقش معلم نیز دستخوش تغییر اساسی می‌شود. معلم دیگر صرفاً انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه تسهیل‌گر یادگیری، راهنما و طراح موقعیت‌های یادگیری معنادار محسوب می‌شود. این تغییر نقش مستلزم برخورداری معلمان از شایستگی‌های حرفه‌ای جدید، از جمله توانایی طراحی فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر مسئله، استفاده از روش‌های تدریس فعال، و به‌کارگیری ارزشیابی‌های تکوینی و عملکردمحور است. در این چارچوب، تعامل معلم و دانش‌آموز بر پایه گفت‌وگو، بازخورد مستمر و مشارکت فعال شکل می‌گیرد.

ارزشیابی نیز در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی معنای تازه‌ای می‌یابد. به‌جای تمرکز صرف بر آزمون‌های پایانی و نمره‌محور، ارزشیابی به فرآیندی مستمر، تکوینی و چندبعدی تبدیل می‌شود که هدف آن حمایت از یادگیری و سنجش میزان تحقق شایستگی‌هاست. ابزارهایی مانند پروژه‌ها، پوشه کار، مشاهده عملکرد، خودارزیابی و همتایابی در این رویکرد اهمیت ویژه‌ای دارند. این نوع ارزشیابی نه‌تنها تصویری جامع‌تر از توانمندی‌های فراگیر ارائه می‌دهد، بلکه انگیزه یادگیری و احساس مسئولیت را نیز در آنان تقویت می‌کند. طراحی برنامه درسی بر اساس شایستگی‌ها، نیازمند توجه به زمینه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. شایستگی‌ها نمی‌توانند به‌صورت انتزاعی و جدا از بستر اجتماعی تعریف شوند، بلکه باید با ارزش‌ها، نیازها و انتظارات جامعه همخوانی داشته باشند. از این‌رو، مشارکت ذی‌نفعان مختلف از جمله معلمان، مدیران، والدین، متخصصان برنامه‌ریزی درسی و حتی خود فراگیران در فرآیند طراحی برنامه درسی

اهمیت زیادی دارد. این مشارکت می‌تواند به افزایش اثربخشی و پذیرش برنامه درسی منجر شود. در مجموع، مقدمه طراحی برنامه درسی بر اساس شایستگی‌ها نشان می‌دهد که این رویکرد تلاشی آگاهانه برای همسو کردن آموزش با نیازهای واقعی زندگی معاصر است. این نوع طراحی با عبور از نگاه سنتی به آموزش، یادگیری را به فرآیندی فعال، معنادار و تحول‌آفرین تبدیل می‌کند و نقش مهمی در پرورش سرمایه انسانی ایفا می‌نماید. توجه به شایستگی‌ها به‌عنوان محور اصلی برنامه درسی، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت آموزش، افزایش عدالت آموزشی و آمادگی بهتر فراگیران برای مواجهه با چالش‌های آینده باشد.

فصل اول:

مبانی نظری و مفهومی طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی

تحولات شتابان جهان معاصر در عرصه‌های علمی، فناوریانه، اقتصادی و اجتماعی، نظام‌های آموزشی را با الزامات جدیدی روبه‌رو ساخته است که پاسخ به آن‌ها مستلزم بازنگری اساسی در فلسفه، اهداف و ساختار برنامه‌های درسی است. در چنین شرایطی، آموزش دیگر نمی‌تواند صرفاً به انتقال حجم انبوهی از اطلاعات و محفوظات محدود شود، بلکه باید زمینه‌ساز پرورش توانمندی‌هایی باشد که افراد را برای مواجهه مؤثر با موقعیت‌های واقعی زندگی آماده سازد. این ضرورت، توجه اندیشمندان تعلیم و تربیت را به رویکردهایی جلب کرده است که یادگیری را به‌عنوان فرآیندی فعال، کاربردی و معنادار در نظر می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین این رویکردها، طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی است که به‌عنوان پارادایمی نوین در آموزش مطرح شده و جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاری‌های آموزشی کشورهای مختلف یافته است.

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر این اصل بنیادین استوار است که هدف نهایی آموزش، توانمند ساختن یادگیرندگان برای انجام مؤثر وظایف و ایفای نقش‌های مختلف در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای است. در این رویکرد، یادگیری زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که فرد بتواند دانش، مهارت و نگرش‌های خود را در موقعیت‌های واقعی به‌کار گیرد. بنابراین، شایستگی مفهومی فراتر از دانستن صرف است و مجموعه‌ای یکپارچه از توانایی‌های شناختی، عملی و عاطفی را در بر می‌گیرد. این نگاه، نقطه مقابل برنامه‌های درسی سنتی است که عمدتاً بر انتقال دانش نظری و ارزشیابی‌های مبتنی بر حافظه تأکید داشته‌اند. از منظر مفهومی، شایستگی به توانایی فرد برای به‌کارگیری مؤثر دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها در موقعیت‌های پیچیده و واقعی اشاره دارد. این تعریف نشان می‌دهد که شایستگی امری ایستا و محدود به یک حوزه خاص نیست، بلکه پدیده‌ای پویا، زمینه‌مند و وابسته به بافت اجتماعی و فرهنگی است. بر همین اساس، طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مستلزم توجه هم‌زمان به ابعاد مختلف یادگیری و فراهم‌سازی فرصت‌هایی است که یادگیرندگان بتوانند آموخته‌های خود را در شرایط متنوع تجربه و تمرین کنند. این امر موجب می‌شود یادگیری از سطح دانستن به سطح توانستن ارتقا یابد.

مبانی نظری طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی ریشه در دیدگاه‌های نوین یادگیری دارد. نظریه‌های سازنده‌گرایی بر این باورند که یادگیری فرآیندی فعال و مبتنی بر ساخت معنا توسط یادگیرنده است. بر اساس این دیدگاه، دانش به صورت آماده منتقل نمی‌شود، بلکه فراگیر با تعامل با محیط، دیگران و تجربیات خود آن را می‌سازد. این نظریه‌ها بر اهمیت یادگیری موقعیتی، حل مسئله، تعامل اجتماعی و بازانديشی تأکید دارند که همگی از عناصر کلیدی آموزش شایستگی محور محسوب می‌شوند. در چنین چارچوبی، برنامه درسی باید به گونه‌ای طراحی شود که فرصت‌های یادگیری معنادار و چالش برانگیز را فراهم سازد. از منظر فلسفی، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی با رویکردهای عمل گرایانه و انسان گرایانه همخوانی دارد. عمل گرایي بر کاربرد دانش و ارتباط آموزش با زندگی واقعی تأکید می‌کند و انسان گرایي بر رشد همه جانبه فرد، خودآگاهی و شکوفایی استعدادها تمرکز دارد. ترکیب این دو دیدگاه در طراحی برنامه درسی شایستگی محور موجب می‌شود آموزش نه تنها به پرورش مهارت‌های کاربردی بپردازد، بلکه به رشد شخصیت، ارزش‌ها و مسئولیت پذیری اجتماعی یادگیرندگان نیز توجه کند. این نگاه جامع، آموزش را به ابزاری برای توانمندسازی فرد و جامعه تبدیل می‌کند. از منظر روان شناختی، برنامه درسی مبتنی بر شایستگی بر تفاوت‌های فردی یادگیرندگان تأکید دارد. هر فرد با پیش دانسته‌ها، سبک‌های یادگیری، علایق و توانمندی‌های متفاوت وارد فرآیند یادگیری می‌شود. طراحی برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که این تفاوت‌ها را به رسمیت بشناسد و فرصت‌های متنوعی برای یادگیری فراهم آورد. در این راستا، انعطاف پذیری برنامه درسی و استفاده از روش‌های تدریس متنوع نقش مهمی در تحقق شایستگی‌ها ایفا می‌کند. این امر موجب افزایش انگیزه، مشارکت فعال و احساس مالکیت یادگیرندگان نسبت به فرآیند یادگیری می‌شود.

برنامه درسی مبتنی بر شایستگی همچنین ریشه در دیدگاه‌های جامعه شناختی آموزش دارد. از این منظر، آموزش ابزاری برای انتقال فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین آماده سازی افراد برای مشارکت فعال در جامعه است. شایستگی‌ها باید به گونه‌ای تعریف شوند که پاسخگوی نیازهای جامعه و بازار کار باشند و به ارتقای سرمایه انسانی کمک کنند. از این رو، طراحی برنامه درسی شایستگی محور نیازمند تحلیل دقیق نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و مشارکت ذی‌نفعان مختلف در فرآیند طراحی است. یکی از مفاهیم کلیدی در مبانی نظری برنامه درسی مبتنی بر شایستگی، یادگیری مادام‌العمر است. در دنیای امروز که دانش و فناوری به سرعت در حال تغییر است، افراد نمی‌توانند صرفاً با تکیه بر آموخته‌های دوران تحصیل موفق

باشند. آنچه اهمیت دارد، توانایی یادگیری مستمر، خودتنظیمی و سازگاری با شرایط جدید است. برنامه درسی شایستگی محور با تمرکز بر پرورش این توانایی‌ها، یادگیرندگان را برای یادگیری در طول زندگی آماده می‌سازد و نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کند.

تحول مفهوم برنامه درسی از رویکرد محتوامحور به شایستگی محور

مفهوم برنامه درسی در طول تاریخ آموزش و پرورش دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است که این تحولات بازتابی از تغییر نگرش‌ها نسبت به ماهیت یادگیری، نقش آموزش در جامعه و انتظارات از نظام‌های آموزشی بوده‌اند. در دوره‌های اولیه، برنامه درسی عمدتاً به عنوان مجموعه‌ای از محتواهای آموزشی تعریف می‌شد که هدف اصلی آن انتقال دانش انباشته بشری به نسل‌های جدید بود. این نگاه محتوامحور، آموزش را فرآیندی خطی و معلم محور می‌دانست که در آن دانش‌آموزان نقش گیرنده‌های منفعل اطلاعات را ایفا می‌کردند. در چنین چارچوبی، موفقیت آموزشی اغلب با میزان حفظ و بازتولید مطالب درسی سنجیده می‌شد و برنامه درسی به فهرستی از موضوعات و سرفصل‌ها تقلیل می‌یافت. رویکرد محتوامحور به برنامه درسی ریشه در نگرش‌های سنتی به دانش و یادگیری داشت که دانش را امری ثابت، عینی و قابل انتقال تلقی می‌کرد. بر اساس این دیدگاه، وظیفه اصلی نظام آموزشی انتقال دقیق و کامل این دانش به فراگیران بود. بنابراین، برنامه درسی به گونه‌ای طراحی می‌شد که حجم مشخصی از محتوا در مدت زمان معینی تدریس شود و ارزشیابی نیز عمدتاً بر میزان یادسپاری و بازخوانی اطلاعات تمرکز داشت. این رویکرد اگرچه در دوره‌ای خاص پاسخگوی نیازهای جوامع بود، اما به تدریج با افزایش پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و تحولات علمی و فناورانه، محدودیت‌ها و کاستی‌های آن آشکار شد.

با گسترش جوامع صنعتی و سپس ورود به عصر اطلاعات و دانش، انتظارات از نظام‌های آموزشی به طور چشمگیری تغییر کرد. دیگر صرف دانستن اطلاعات برای موفقیت فردی و اجتماعی کافی نبود، بلکه توانایی استفاده از دانش در موقعیت‌های متنوع و حل مسائل پیچیده اهمیت بیشتری یافت. این تغییر شرایط موجب شد نگاه انتقادی به برنامه‌های درسی محتوامحور شکل گیرد و پژوهشگران به این نتیجه برسند که تمرکز صرف بر محتوا نمی‌تواند فراگیران را برای زندگی واقعی آماده سازد. در این مرحله، مفهوم کارآمدی آموزش و ارتباط آن با نیازهای واقعی جامعه به یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان درسی تبدیل شد. تحول در نظریه‌های یادگیری نیز نقش

مهمی در تغییر مفهوم برنامه درسی ایفا کرد. نظریه‌های رفتارگرایانه که بر تقویت پاسخ‌های درست تأکید داشتند، به تدریج جای خود را به نظریه‌های شناختی و سپس سازنده‌گرایانه دادند. این نظریه‌ها یادگیری را فرآیندی فعال، معنامحور و مبتنی بر تجربه می‌دانستند. بر اساس این دیدگاه‌ها، یادگیرندگان باید در فرآیند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند و دانش را در تعامل با محیط و دیگران بسازند. چنین نگرشی با برنامه‌های درسی محتوامحور که بر انتقال یک‌سویه دانش تأکید داشتند، همخوانی نداشت و زمینه را برای ظهور رویکردهای جدید فراهم ساخت.

در این بستر فکری، مفهوم شایستگی به تدریج وارد ادبیات آموزشی شد و به عنوان محور جدیدی برای طراحی برنامه درسی مطرح گردید. شایستگی مفهومی جامع است که توانایی به کارگیری دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها را در موقعیت‌های واقعی و پیچیده در بر می‌گیرد. برخلاف رویکرد محتوامحور که بر «چه چیزی باید دانسته شود» تمرکز دارد، رویکرد شایستگی‌محور بر «فرد چه کاری می‌تواند انجام دهد» تأکید می‌کند. این تغییر تمرکز، نقطه عطفی در تحول مفهوم برنامه درسی به شمار می‌آید. برنامه درسی شایستگی‌محور به آموزش به عنوان ابزاری برای توانمندسازی فرد نگاه می‌کند. در این رویکرد، محتوا همچنان اهمیت دارد، اما نه به عنوان هدف نهایی، بلکه به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به شایستگی‌ها. محتوا باید به گونه‌ای انتخاب و سازمان‌دهی شود که به رشد توانایی‌های کاربردی و تفکر سطح بالا منجر شود. این نگاه موجب می‌شود برنامه درسی از حالت ایستا و تجویزی خارج شده و به ساختاری پویا و انعطاف‌پذیر تبدیل گردد که قابلیت انطباق با نیازهای متغیر یادگیرندگان و جامعه را دارد. تحول از رویکرد محتوامحور به شایستگی‌محور همچنین با تغییر در نقش عناصر اصلی فرآیند آموزشی همراه بوده است. در برنامه درسی سنتی، معلم محور اصلی آموزش و منبع اصلی دانش محسوب می‌شد، در حالی که در برنامه درسی شایستگی‌محور، نقش معلم به تسهیل‌گر یادگیری و طراح موقعیت‌های یادگیری معنادار تغییر یافته است. این تغییر نقش، یادگیرنده را از حالت منفعل خارج کرده و او را به کنشگری فعال در فرآیند یادگیری تبدیل می‌کند. یادگیرنده مسئول یادگیری خود می‌شود و با مشارکت در فعالیت‌های یادگیری، شایستگی‌های مورد نظر را به تدریج کسب می‌کند.

ارزشیابی نیز در این تحول مفهومی دچار دگرگونی اساسی شده است. در رویکرد محتوامحور، ارزشیابی عمدتاً بر آزمون‌های پایانی و سنجش میزان حفظ مطالب متمرکز بود. اما در رویکرد شایستگی‌محور، ارزشیابی به فرآیندی مستمر، تکوینی و مبتنی بر عملکرد تبدیل شده است.

هدف ارزشیابی دیگر صرفاً رتبه‌بندی فراگیران نیست، بلکه حمایت از یادگیری و ارائه بازخورد مؤثر برای بهبود عملکرد است. این تغییر نگرش به ارزشیابی، نقش مهمی در تحقق اهداف برنامه درسی شایستگی‌محور ایفا می‌کند. تحول مفهوم برنامه درسی از محتوامحوری به شایستگی‌محوری همچنین با توجه به یادگیری مادام‌العمر همراه است. در دنیای امروز، سرعت تغییرات علمی و فناورانه به گونه‌ای است که دانش به سرعت منسوخ می‌شود. بنابراین، نظام‌های آموزشی باید افرادی را تربیت کنند که قادر به یادگیری مستمر و سازگاری با شرایط جدید باشند. برنامه درسی شایستگی‌محور با تمرکز بر مهارت‌هایی مانند تفکر انتقادی، حل مسئله، خودتنظیمی و یادگیری مستقل، زمینه را برای تحقق یادگیری مادام‌العمر فراهم می‌سازد.

از منظر اجتماعی، این تحول نشان‌دهنده تغییر انتظارات جامعه از نظام آموزشی است. جامعه دیگر صرفاً به دنبال افراد مطلع نیست، بلکه به افرادی نیاز دارد که بتوانند در شرایط پیچیده تصمیم‌گیری کنند، مسئولیت‌پذیر باشند و نقش مؤثری در توسعه اجتماعی و اقتصادی ایفا کنند. برنامه درسی شایستگی‌محور با پاسخ به این نیازها، پیوند میان آموزش و زندگی واقعی را تقویت می‌کند و آموزش را به ابزاری برای توسعه سرمایه انسانی تبدیل می‌نماید. در مجموع، تحول مفهوم برنامه درسی از رویکرد محتوامحور به شایستگی‌محور، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل نظری، اجتماعی و عملی است که در تعامل با یکدیگر شکل گرفته‌اند. این تحول نشان‌دهنده گذار از نگرش سنتی به آموزش به عنوان انتقال دانش، به نگرشی نوین است که آموزش را فرآیندی برای توانمندسازی و آماده‌سازی افراد برای زندگی واقعی می‌داند. چنین تحولی نه تنها ساختار برنامه‌های درسی، بلکه نقش معلم، یادگیرنده و ارزشیابی را نیز دگرگون ساخته و افق‌های تازه‌ای را پیش روی نظام‌های آموزشی گشوده است. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای کیفیت آموزش و پاسخگویی بهتر به نیازهای جوامع معاصر باشد.

تعریف شایستگی و مؤلفه‌های آن (دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌ها)

مفهوم شایستگی در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی و بنیادین در حوزه آموزش و برنامه‌ریزی درسی تبدیل شده است و توجه گسترده‌ای را از سوی پژوهشگران، سیاست‌گذاران آموزشی و طراحان برنامه‌های درسی به خود جلب کرده است. این مفهوم در پاسخ به محدودیت‌های رویکردهای سنتی آموزشی که عمدتاً بر انتقال دانش نظری تمرکز داشتند، مطرح شده و تلاش می‌کند آموزش را به فرآیندی معنادار، کاربردی و مرتبط با زندگی واقعی تبدیل

کند. شایستگی در معنای کلی به توانایی فرد برای انجام مؤثر وظایف و ایفای نقش‌ها در موقعیت‌های گوناگون زندگی اشاره دارد و فراتر از صرف دانستن اطلاعات یا انجام مهارت‌های منفرد است. این مفهوم بر یکپارچگی عناصر مختلف یادگیری تأکید دارد و یادگیری را نتیجه تعامل پویا میان دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌ها می‌داند.

در تعریف شایستگی، آنچه بیش از همه مورد تأکید قرار می‌گیرد، توانایی به‌کارگیری آموخته‌ها در موقعیت‌های واقعی و پیچیده است. شایستگی نه یک ویژگی ثابت و ایستا، بلکه قابلیت پویا و زمینه‌مند است که در تعامل فرد با محیط اجتماعی، فرهنگی و حرفه‌ای شکل می‌گیرد. از این منظر، فرد شایسته کسی است که بتواند در شرایط متغیر، تصمیم‌های آگاهانه بگیرد، مسئولیت‌پذیر باشد و عملکردی مؤثر و اخلاقی از خود نشان دهد. این نگاه موجب می‌شود شایستگی به‌عنوان هدف نهایی آموزش در نظر گرفته شود و تمامی عناصر برنامه درسی در جهت تحقق آن سازمان‌دهی شوند. یکی از مؤلفه‌های اساسی شایستگی، دانش است. دانش به مجموعه‌ای از مفاهیم، اطلاعات، اصول و نظریه‌ها اشاره دارد که فرد از طریق آموزش رسمی و غیررسمی کسب می‌کند. در رویکرد شایستگی‌محور، دانش همچنان جایگاه مهمی دارد، اما نه به‌عنوان هدف نهایی، بلکه به‌عنوان پایه‌ای برای عمل و تفکر. دانش زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که بتواند در موقعیت‌های واقعی مورد استفاده قرار گیرد و به حل مسائل کمک کند. بنابراین، تأکید بر فهم عمیق مفاهیم و ارتباط میان آن‌ها، جایگزین حفظ سطحی اطلاعات می‌شود.

دانش در چارچوب شایستگی‌محور، ماهیتی کاربردی و معنا‌محور دارد. فراگیران باید بتوانند دانش خود را تحلیل کنند، آن را با دانش پیشین پیوند دهند و در موقعیت‌های جدید به کار گیرند. این نوع دانش، یادگیری سطح بالا را تقویت می‌کند و زمینه‌ساز رشد تفکر انتقادی و خلاق می‌شود. از این‌رو، طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی مستلزم انتخاب و سازمان‌دهی دانشی است که با نیازهای واقعی زندگی فردی و اجتماعی همخوانی داشته باشد. مهارت به‌عنوان مؤلفه دوم شایستگی، به توانایی انجام عملی فعالیت‌ها و استفاده مؤثر از دانش اشاره دارد. مهارت‌ها می‌توانند شناختی، عملی، اجتماعی یا ارتباطی باشند و نقش مهمی در تحقق شایستگی‌ها ایفا می‌کنند. در آموزش سنتی، مهارت‌ها اغلب به‌صورت محدود و جدا از دانش آموزش داده می‌شدند، اما در رویکرد شایستگی‌محور، مهارت‌ها در بستر موقعیت‌های واقعی و در تعامل با دانش و نگرش شکل می‌گیرند. این امر موجب می‌شود یادگیری مهارت‌ها پایدارتر و معنا‌دارتر باشد. مهارت‌ها شامل

توانایی‌هایی مانند حل مسئله، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، کار گروهی، ارتباط مؤثر و استفاده از فناوری هستند. این مهارت‌ها به فراگیران کمک می‌کنند تا در موقعیت‌های پیچیده عملکرد مناسبی داشته باشند و با چالش‌های نوظهور مواجه شوند. آموزش مهارت‌ها در برنامه درسی شایستگی محور نیازمند استفاده از روش‌های تدریس فعال، یادگیری مبتنی بر پروژه و تجربه‌های عملی است. چنین رویکردی یادگیرندگان را از حالت منفعل خارج کرده و آن‌ها را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری ترغیب می‌کند. نگرش به‌عنوان مؤلفه سوم شایستگی، به باورها، احساسات و تمایلات فرد نسبت به یادگیری، کار، دیگران و خود اشاره دارد. نگرش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی به‌کارگیری دانش و مهارت‌ها دارند و می‌توانند یادگیری را تسهیل یا تضعیف کنند. فردی که از نگرش مثبت نسبت به یادگیری برخوردار است، انگیزه بیشتری برای تلاش، یادگیری مستمر و بهبود عملکرد خود دارد. از این‌رو، پرورش نگرش‌های مطلوب یکی از اهداف اساسی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی محسوب می‌شود.

نگرش‌ها شامل ابعادی مانند مسئولیت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس، علاقه به یادگیری، همکاری، احترام به دیگران و پذیرش تفاوت‌ها هستند. این ابعاد نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و اجتماعی ایفا می‌کنند. در رویکرد شایستگی محور، نگرش‌ها به‌صورت ضمنی و از طریق تجربه‌های یادگیری معنادار پرورش می‌یابند. تعامل اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی و مواجهه با مسائل واقعی می‌توانند به شکل‌گیری نگرش‌های مثبت و سازنده کمک کنند. ارزش‌ها به‌عنوان چهارمین مؤلفه شایستگی، به اصول اخلاقی، باورهای بنیادین و معیارهایی اشاره دارند که رفتار و تصمیم‌گیری‌های فرد را هدایت می‌کنند. ارزش‌ها نقش اساسی در جهت‌دهی به استفاده از دانش و مهارت‌ها دارند و تضمین می‌کنند که عملکرد فرد در چارچوب اخلاقی و اجتماعی قابل قبول انجام شود. در آموزش شایستگی محور، توجه به ارزش‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا هدف نهایی آموزش، پرورش انسان‌هایی مسئول، اخلاق‌مدار و متعهد به جامعه است.

مبانی فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آموزش شایستگی محور

آموزش شایستگی محور به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین و تحول‌آفرین در نظام‌های آموزشی، بر مجموعه‌ای از مبانی نظری استوار است که ریشه در دیدگاه‌های فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آموزش دارد. این مبانی، چارچوب فکری و نظری لازم را برای درک ماهیت شایستگی، اهداف آموزش و نقش عناصر مختلف برنامه درسی فراهم می‌سازند. بدون توجه به این